

رویکرد ادبی استاد مطهری (ره)

در پژوهش های اسلامی

دکتر اکرم روشنفکر

استادیار دانشگاه گیلان

Saneh210@yahoo.com

چکیده

ادبیات ثمره ی خردورزی ملت ها و نمایانگر دانایی و برنایی نسل های متواتر جوامع است و پژوهش های ادبی نه تنها توانایی پژوهشگران را در دریافت شکل و معانی آثار ادبی برملا می سازد؛ بلکه میزان فرهیختگی صاحبان آن آثار را هویدا می کند. اما گاهی پژوهش های ادبی ضمیمه ی برنایی پژوهشگری قرار می گیرد که دستیابی بدان مستلزم کنجکاوی مضاعفی است تا از لابلای آثار علمی و دینی وی منش ادبی و شیوه ی پژوهشی او در ادبیات آشکار گردد. در همین راستا می توان از استاد مطهری (ره) به عنوان نویسنده ای توانا که آثار متنوعی در حوزه ی معارف دینی برجای نهاد، یاد کرد. با آن که از مجموع آثار استاد مطهری (ره) تنها « داستان راستان» عنوانی کاملاً ادبی دارد، اما سایر آثار وی از جمله « خدمات متقابل اسلام و ایران»، « سیری در نهج البلاغه»، « حماسه حسینی» سرشار از مضامینی است که خط سیر ادب پژوهی استاد (ره) را نمودار می سازد. از همین رو پژوهش حاضر درصدد تبیین روش ادب پژوهی استاد مطهری (ره) با تکیه بر آثار مذکور است. روش کار توصیفی - تحلیلی بوده و مهمترین نتیجه کارکرد تاریخ نگاری ادبی در ارائه ی اطلاعات، نقد ادبی در بیان آراء و نظرات اهل اندیشه و پالایش داده های غیرعلمی و تردید آمیز و فن داستان نویسی در بیان رویدادهای تاریخی توسط استاد (ره) است.

واژگان کلیدی: استاد مطهری (ره)، تاریخ نگاری ادبی، داستان تاریخی

مقدمه

استاد مطهری(ره) در مقام پژوهشگری مسلمان آثار بسیاری در بیان اندیشه ی اسلامی از خود برجای نهاده و در شرح تفکر دینی به موضوعات متنوعی پرداخته است، چنان که کتاب هایش مرجع اکثر اهل مطالعه در منابع اسلامی گردیده و اهل فن نیز از روش کارش بهره شده اند. از همین رو نخستین تلقی از شخصیت علمی اش بر همین اساس شکل گرفته و بسیاری از مطهری شناسان، وی را دانشمندی دینی و فرهیخته ای آگاه در حوزه مسایل فنی اسلامی دانسته اند.

هرچند این برداشت از شخصیت علمی استاد مطهری(ره) کاملاً صحیح است، اما از آن جا که اغلب آثار استاد(ره) در آن با رویکرد دینی مورد مذاقه قرار گرفته، هویت ادبی برجسته اش کم رنگ؛ بلکه ناپیدا مانده و از همین رو، کمتر درباره ی شیوه ی استاد(ره) در پرداختن به ادبیات سخن رفته است. در حالی که با نگاهی به برخی از آثارش می توان به اعتناء چشمگیری در ایفاد مطالب ادبی و ارائه نظر در جایگاه ادیبی مطلع و ناقدی ممتاز راه برد.

از جمله آثاری که رویکرد جالب توجه استاد (ره) را به ادبیات ترسیم کرده و اسلوبش را در نقد مطالب ارائه شده، فاش می نماید، کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» است. نویسنده در مقدمه اش، هدف نگارش را در راستای تبیین رابطه ی اسلام و ملیت بر شمرده و در آن به شرح تأثیرات مثبت جامعه ی ایرانی بر پیشرفت علوم اسلامی پرداخته است و در همین راستا از ادیبان و دانشمندانی یاد کرده که جمعی از آنان ایرانی تبارند و به این ترتیب ضمن برخورداری از معلومات تاریخ ادبیات به ایراد سخن راه برده است.

سیری در نهج البلاغه ی استاد(ره) نیز افزون بر ارائه ی زاویه ی دید علمی به سخنان مولای متقیان (ع) شامل داده هایی شایان توجه درباره ی دیدگاه ادیبان معاصر نسبت به نهج البلاغه است که دامنه ی مطالعات ادبی او را ترسیم می کند و زمینه ی مناسبی برای درک دغدغه های علمی و ادبی اش در حماسه ی حسینی به شمار می آید. با آن که گمان می رود، رویکرد استاد(ره) به ادبیات در انحصار سه کتاب یاد شده باشد، اما توجه وی به حوادث تاریخ اسلام زمینه ی نگارش داستان هایی تاریخی را در دو مجلد «داستان راستان» فراهم آورد که مهارت کاربرد فنون ادبی وی را هویدا می سازد.

از همین رو پژوهش حاضر با پرسشی دایر بر نحوه ی رویکرد ادبی استاد مطهری(ره) در کتاب های یاد شده، به روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است. در بیان پیشینه ی پژوهش می توان به « مفاهیم، اصطلاحات و تعبیر علوم انسانی، دینی از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری» اثر محمد علی ذکریایی و « فضایل امام علی (ع) در آثار شهید مطهری» اثر سید محمدتقی حسینی منش و « تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری» اثر سید سعید روحانی اشاره کرد و از پایان نامه نصرت نصر آبادی با عنوان « تربیت و

اخلاق از نظر شهید مطهری و ویلیام جیمز» (دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی) و بهمن احمدزاده «زن در اندیشه‌ی استاد مطهری» (دانشگاه تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی) یاد نمود.

۱- تاریخ نگاری ادبی در «خدمات متقابل»

تاریخ نگاری ادبی، بررسی دگرگونی‌های میراث ادبی با ذکر ویژگی‌های آن‌ها و معرفی شاعران و نویسندگان آثار ادبی است. زمینه و چگونگی پیدایش یک اثر ادبی در تاریخ نگاری ادبی پژوهش می‌شود. (وندل، ۱۳۷۴: ۵۴۹) نویسندگان تاریخ ادبیات عربی در روش سنتی نگارش مباحث خویش را کمابیش با سایر علوم ادبیات مانند نقد ادبی و بلاغت می‌آمیختند، اما تاریخ نگاران دو سده‌ی اخیر شیوه‌های تازه و معینی را که از سوی خاورشناسان به کار گرفته شده، پیش روی خود قرار داده اند و از این رهگذر کتاب‌های ارزشمندی را در صورتی نو بر جای نهاده اند. آنان با بهره‌گیری از شیوه‌های تازه، مباحث شان را در ارتباط با تاریخ نگاری ادبی عرضه داشته‌اند. در همین راستا پژوهش‌های تاریخ ادبیات با در نظر گرفتن دوره‌های سیاسی، مکاتب ادبی، تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی بر ادبیات، شرح اوضاع فرهنگی جامعه و نقش آن در تعیین مشخصات ادبی کانون توجه قرار گرفته است.

استاد مطهری (ره) نیز در «خدمات متقابل» به تاریخ نگاری ادبی توجه نموده است. در همین راستا روش متفاوت وی در پردازش مسائل ادبی شایان اعتناء است. او با تلفیق آثار ادیبان پیشین و نظر خاورشناسان معاصر، نگاهی نو در تاریخ ادبیات ایجاد نمود و بر اساس آن به دسته‌بندی و تحلیل داده‌های تاریخ ادبیات در «خدمات متقابل» همت گماشت.

نویسنده به سبب آشنایی با مکاتب گوناگون فکری و ادبی استعداد کاملی در بهره‌مندی از آثار تاریخ ادبیات عربی از خود نشان داده و در کتاب شناسی تاریخ ادبیات از منابع ارزشمندی مانند «الفهرست» اثر ابن ندیم، «وفیات الاعیان» اثر ابن خلکان، «فتوح البلدان» اثر البلاذری و «تاریخ آداب اللغة العربیه» جرجی زیدان غفلت نکرده و «الآغانی» اثر ابو الفرج اصفهانی و «الکامل» ابن اثیر را مورد توجه قرار داده و توشه‌ی علمی کتابش را پر بار ساخته است.

استاد (ره) در زمره‌ی نویسندگانی است که آثارش را با تکیه بر مطالعه‌ی ژرف در آثار گذشتگان و تجزیه و تحلیل نظرات سایر صاحبان تألیف پدید آورده و مطالبش را افزون بر مطالعه‌ی آثار نویسندگان کلاسیک عرب و با استفاده از نظرات شرق شناسان نوشته است. با این حال گرچه آثار خاورشناسان را در تاریخ ادبیات عربی اغلب ستوده، ولی روش پرداختن آنان را فاقد تحلیل‌های عمیق ادبی شمرده و آن را نقطه ضعف آثارشان دانسته و تلاش کرده تا این کاستی را در آثارش جبران نماید. وی بسا، پس از بیان نظر برخی از تاریخ نویسان ادبیات درباره‌ی شخصیت‌هایی ادبی، آن را نقد کرده و ظرفیت آثارش را تا بیان چند جانبه‌ی تاریخ ادبیات عربی ارتقاء بخشیده است.

۲- کارکرد نقد در «خدمات متقابل»

ادبیات عربی امروزه، در گستره‌ی وسیعی از نقشه‌ی سیاسی جهان کاربرد دارد و ملت‌های بسیاری غیر از عرب زبانان با آن آشنایی دارند و جمعیت زیادی به سبب پذیرش دین مبین واژگان آن را بر زبان می‌رانند. جغرافیای کاربرد زبان عربی اکنون شامل ایران، خاورمیانه عربی و شمال آفریقا؛ آسیای میانه و جنوب شرق آسیا شده و در این کشورها سخنورانی دارد. افزون بر آن که سابقه‌ی این کاربرد در جنوب اروپا قابل جستجو است، اما کاربری این زبان به سبب مهاجرت‌های ناشی از شرایط ناگزیر زندگی در عصر حاضر و یا پیشرفت‌های رو به رشد ارتباطات به یک و یا دو قاره متوقف نمانده و تقریباً در تمام مناطق دنیا می‌توان رد سخنی از عربی یافت. البته بسیاری از مستشرقان و پژوهشگران غربی نیز بدان اعتناء داشته‌اند.

استاد مطهری (ره) در میان پژوهشگران معاصر به سبب بهره‌مندی از آموزش‌های عمومی و تخصصی دینی در زمره‌ی متخصصانی قرار گرفته که بسان ادیبی کارآمد، توانایی بیان و قدرت استدلالی شگرف را در بسیاری از موضوعات ادبیات عربی، از خود بروز داده و در «خدمات متقابل» با احصاء اندیشمندان مسلمان نه تنها به دانشمندان حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی؛ بلکه به صاحب نظران ادبیات عربی اعم از دستورنویسان و زبان شناسان، دانشمندان علوم بلاغت و تفسیر قرآن کریم، عارفان و شاعران، تاریخ نگاران ادبیات پرداخته است.

اگر داده‌های «خدمات متقابل» به شکل پلکانی توانایی ساختن هرم دانش را داشته باشد، بی‌گمان قاعده‌ی این اطلاعات پژوهش-های قرآنی خواهد بود. از آن جا که کلام الله مجید نسخه‌ی منحصر به فرد ادبیات عربی است، نویسنده با معرفی جمعی از ادیبان، از افرادی که برای فراهم آمدن زمینه‌ی پژوهش‌های ادبی در قرآن کریم کوشش نمودند، یاد می‌کند و در همین راستا از زبان شناسان و دستور نویسان سخن می‌گوید و پیرو هدف کتاب، مشهورترین ادیبان ایرانی را که خدمات شایانی به پیشرفت ادبیات عربی نمودند، برمی‌شمارد، اما از همتایان آنان در سرزمین‌های عربی غفلت نمی‌کند. به این ترتیب افرادی گرد می‌آیند که دیواره‌ی نخست هرم دانش مسلمانان، با چیدمان پلکانی آثارشان برفراز می‌شود.

نویسنده‌ی خدمات متقابل آنگاه از عالمان بلاغت و اهالی تفسیر که بی‌واسطه از ثمره‌ی تلاش‌های گروه نخست در چیدمان دیواره‌ی دوم هرم دانش بهره‌مند شدند، یاد می‌کند و در احصاء خبرگان بلاغت و تفسیر از عرب و عجم غفلت نمی‌نماید. وی در ادامه به معرفی شاعرانی می‌پردازد که زوایای متکثر، معرفت دینی و ملی را هویدا ساختند. پس با آسیب شناسی داده‌های تاریخی درباره‌ی شاعران ایرانی و فرهیختگان مناطق مختلف اسلامی کمک شایانی به معرفی روش پژوهش مورد نظرش در متون ادبی نموده و با جواز تردید در مطالب تاریخی به پژوهشگران پس از خود یاری می‌رساند و راه پلایش مطالب تاریخ ادبیات عربی را به روی ایشان می‌گشاید. در همین راستان می‌توان به اتهام زندیق بودن برخی از ادیبان ادوار گذشته از نظر استاد(ره) اشاره کرد.

استاد (ره) در «خدمات متقابل» به شاعرانی اشاره می‌کند که در نسب ایرانی شمرده شده، اما در دیانت هویت شفافیت نداشتند و از همین رو باور دینی آنان در زمان حیات شان و یا پس از مرگ شان محل تردید قرار گرفته است و در همین راستا از بشار بن برد؛ ابو نواس و عبدالله بن مقفع نام برده و می‌گوید: «به هرحال گروهی در قرون اولیه اسلامی نام برده می‌شوند که برخی ایرانی و برخی عربند و متهم به زندقه بوده اند.» (مطهری، ۱۳۵۷: ۴۰۰)

زندیق نزد مسلمانان معانی گوناگونی داشته و نه تنها معتقدان به آیین‌های زرتشتی، مانوی و مزدکی؛ بلکه افراد مشرک، مرتد و منافق نیز در زمره زنداقه خوانده شده اند.^۱ (حجتی، ۱۳۸۲: ۱) ولی این کلمه از نظر مطهری (ره) در فرهنگ اسلامی و نزد مسلمانان معنای دقیقی نداشته و اغلب به سبب بار معنایی منفی به مخالفان مذهبی اعم از مسلمان و غیر مسلمان نسبت داده شده و اهداف ضداسلامی به همراه داشته است. از همین رو وی درباره ی ابن مقفع می‌گوید: «منصور دوانیقی خلیفه عباسی و سفیان بن معاویه مهلبی حاکم بصره هر کدام به علت خاصی دشمن عبدالله بن مقفع شدند و سفیان با دستور محرمانه‌ی منصور او را کشت و بعد گفتند که اسلام ابن مقفع ظاهری بوده و باطنا زندیق بوده است.» براساس نظر استاد (ره) ابن مقفع مردی دانشمند بوده و کتاب «مانی» را به عربی ترجمه کرد و از برخی نوشته‌هایش بر می‌آید که نسبت به اسلام وفادار بود. ایشان تأکید می‌کند که «بدیهی است که تنها ترجمه‌ی کتاب مانی و یا شرکت در حلقات زنداقه دلیل زندیق بودن نیست.» (مطهری، ۱۳۵۷: ۴۰۱).

۳- ادبیات متعهد در «حماسه حسینی»

اخلاق در معارف دینی و تعالیم قرآن کریم حایز جایگاه رفیعی است و اهمیت اخلاق در اسلام بدان پایه است که پیامبر اکرم (ص) از آن به عنوان هدف رسالت خویش یاد کرده و در سخنی دیگر می‌فرماید: «افضلکم ایمانا احسنکم اخلاقا» ترجمه: هرکس از شما اخلاقش نیک تر ایمانش بهتر است. (پاینده، ۱۳۸۳: ش: ۳۴)

نقش شعر و تأثیرات تعلیمی، دینی، اخلاقی و اجتماعی انکارناپذیری که بر اذهان مستعد می‌نهد، نیز پذیرفته شده (شجاعپوریان، ۱۳۷۶: ش: ۷۶) از همین رو استاد (ره) با صحنه نهادن بر اثر شعر بر روان آدمی و اعتناء به شعر پذیرفته از دیدگاه اسلام، به روایت مأثور از پیامبر اکرم (ص) توجه کرده و می‌گوید: «مسأله‌ی شعر را وقتی انسان در اسلام مطالعه می‌کند، مسائل عجیبی را می‌بیند. پیغمبر اکرم (ص) هم با شعر مبارزه کرد و هم شعر را ترویج کرد. با شعرهایی مبارزه کرد که به اصطلاح امروز متعهد نیست. یعنی شعری نیست که هدفی داشته باشد. صرفاً تخیل است. سرگرم کننده است. اکاذیب است. مثلاً کسی شعر می‌گفت در وصف معشوق

^۱. پیرامون مفهوم اصطلاحی کلمه زندیق گفته شده است که «زندیق» یعنی کسی که اسلام را اظهار و کفر را پنهان می‌دارد و این یعنی منافق و حتی گفته شده است که تفاوت نهادن بین زندیق و منافق بسیار دشوار است و نیز گفته شده است که زندیق به معنای «منافق» اصطلاح فقها است و این در حالی است که در قرآن و سنت برای این معنا تنها اصطلاح «منافق» کار رفته است. (حجتی: ۱۰-۱۳)

و زلف او، یا کسی را هجو و شخصیتی را مدح می‌کرد برای این که پول بگیرد. پیغمبر(ص) شدیداً با این نوع شعر مبارزه می‌کرد، ولی باز فرمود: *إِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمَةٍ* یعنی بعضی از شعرها حکمت است، حقیقت است. (مطهری، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۲۵)

از همین رو با نگاهی به «حماسه حسینی» می‌توان قایل به دو مجموعه ی ادبی از نگاه نویسنده بود. دسته ی نخست آثاری است که ذیل ادبیات متعهد اسلامی با تکیه بر تاریخ و آموزه‌های اهل بیت «علیهم السلام» قرار می‌گیرد و نویسنده در همین راستا از فرزدق، گمیت، دعبل یاد می‌کند. دسته ی دوم آثاری است که نتیجه ی ذوق شعری پدید آورنده بوده و ارتباطی با معارف دینی نمی‌یابد که در همین راستا می‌توان به ابیاتی ذیل کارکرد شعر در عصر اموی یاد کرد.

۳-۱- پالایش ادبیات

هرچند ادبیات متعهد در رویکرد استاد(ره) حایز جایگاه چشمگیر و قابل اعتناء است، اما وی از شایبه هایی که به مرور زمان باعث کدورت زلال ادبیات متعهد اسلامی گردیده، غفلت نکرده است. با نگاهی به مجموعه اشعاری که در «حماسه حسینی» ذکر شده و بررسی هندسه ی ادبیات استاد(ره) در این کتاب درمی یابیم که نویسنده در بهره مندی از اطلاعات تاریخی، گستره ای به وسعت دوره ادبی صدر اسلام و مخضرمان را تا عصر حاضر و قرن بیستم در برابر مخاطب خود می‌گشاید. او در ترسیم جغرافیای اشعار نه تنها خاورمیانه اسلامی؛ بلکه قاره جدید را مقابل خواننده قرار می‌دهد و در روایت مضامین مهارت خود را در استفاده از شعر شیعی و شعر مَجُون و پرده دری نشان داده و جامع الاطراف بودن اطلاعات خود را به رخ ناقد آثارش می‌کشد، اما بدان بسنده نکرده و به پرداختن مرآتی سالار شهیدان از شایبه های سخن ناصواب راه می‌برد و حکمت نام گذاری برخی از مرآتی را بیان می‌دارد.

خاطر نشان می‌سازد که مرثیه در لغت به معنای گریستن بر عزیز از دست رفته و ذکر محامد وی و اظهار تأسّف از درگذشت اوست و «رثاء» یا «مرثیه» در اصطلاح ادبی بر اشعاری اطلاق می‌گردد که در ماتم گذشتگان و تسلا ی یاران و بازماندگان و ذکر صفات پسندیده اش سروده می‌شود. از آنجا که سرودن شعر رابطه ی مستقیمی با قوه ی عاطفه ی انسان دارد، احساسی که در سوگ افراد دست می‌دهد، باعث گردیده که مرثیه سرایی مورد اعتناء بسیار قرار گیرد. برخی از صاحب نظران آن را غرضی دیرپا در شعر عربی دانسته‌اند. (ضیف، ۱۹۵۵ م: ۸) گفتنی است نخستین مرآتی مذهبی بر اساس سخن سبط بن جوزی در مصیبت شهادت سیدالشهداء (ع) توسط عقبه بن عمر السهمی سروده شد. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۳۵)

نویسنده در نگاهی به مرثیه هایی که در محافل روایت گردیده، به عوامل تحریف رویداد حادثه ی روز دهم محرم سال ۶۱ ق راه می‌برد و از آمیختگی مرواریدهای سخن در گنجینه ی پرپهای مرآتی سیدالشهداء (ع) با ریگ های سخنان ناصواب یاد می‌کند و نیاز تشخیص سره را از ناسره در آن ها خاطر نشان می‌سازد، چنان که می‌گوید: «نمونه ی دیگری را در همین مورد که خیلی عجیب

است، من در همین تهران ... از یکی از اهل منبر که روضه ی لیلا را می خواند شنیدم... گفت؛ بعد از این که حضرت لیلا رفت در آن خیمه و موهایش را پریشان کرد ، نذر کرد که اگر خدا علی اکبر را سالم برگرداند و در کربلا کشته نشود، از کربلا تا مدینه ریحان بکارد. یعنی نذر کرد سیصد فرسخ راه را ریحان بکارد! این را گفت و یک مرتبه زد زیر آواز: نذر علیّ لئن عادوا و ان رجعوا/ لآزرعنّ طریق التفت ریحانا. این شعر عربی بیشتر برای من اسباب تعجب شد، بعد رفتم، گشتم؛ دیدم، این تفت سرزمین مربوط به داستان لیلی و مجنون معروف است.» (مطهری، ۱۳۷۰ش: ۲۷)

وی در رویگردی دیگر به ذکر عامل روانی وجه تسمیه ی برخی از مراثی پرداخته و آن را معلول هراس برخی از شاعران از حکومت بنی امیه دانسته و با افشاء سبب نام گذاری «مراثی جنیان» شرایط دشوار کارکرد اجتماعی شعر را هویدا می سازد. چنان که می گوید: «در قمقام صفحات ۵۰۹ - ۵۱۳ قسمت زیادی از مراثی جنّی‌ها را به صورت شعر نقل کرده است. بعید نیست که این اشعار که سراسر انتقاد و حنین و تحریک احساسات است، از طرف علاقمندان و شیعیان سروده می‌شده و چون از طرف حکومت وقت تحت تعقیب قرار می‌گرفتند؛ لهذا اشعاری که می‌سرودند به نام جنّی منتشر می‌کردند که هم رد گم کرده باشند و هم این که مردم بهتر حفظ می‌کردند.» (مطهری، ۱۳۶۵ش، ج: ۳، ۳۷۶)

۴- توجه به نظرات ادیبان عصر حاضر در «سیری در نهج البلاغه»

استاد(ره) در رویگرد ادبی خود شواهدی را از سخنان ادیبان معاصر درباره ی مولای متقیان (ع) ذکر نموده که نشانگر افق اطلاعات وی به عنوان متفکری دینی است. او با جمع آوری گفتار تعدادی از ادیبان معاصر درباره ی حضرتش، توجه ویژه اش را به اطلاع از نظر اهل قلم نمایان ساخته و برخلاف دل مشغولی دینی، «سیری در نهج البلاغه» را با تکیه بر نظر اهل فن و ادبیات^۱ پربار ساخته است. نویسنده در همین راستا فارغ از جهت گیری دینی و یا مذهبی، از سخنان فرهیختگان و صاحب نظران اهل سنت و پیروان مسیحیت بهره مند شده و روش پژوهشی کم نظیر خود را در مقام مرد دین و باورهای اسلامی به رخ پژوهشگران معاصر کشیده و تهی از تعصب و هواداری مذهبی جملات ناب اهل نظر را دریافته و به منظور اطلاع رسانی به مخاطب «سیری در نهج البلاغه» گردآوری نموده است.

هرچند نویسنده بر اظهار نظر معاصران متوقف نمانده و با ذکر مطالبی از ادیبان قرن‌های دوم تا هشتم هجری نه تنها مهارت خود را در برخورداری از تاریخ ادبیات عربی به نمایش نهاده؛ بلکه با نگاهی به افراد مورد نظر وی، می‌توان دریافت که نویسنده به اصناف ادیبان اعم از نویسنده و شاعر و زبان شناس و ناقد متون ادبی نظر داشته و در تأیید ویژگی‌های بی نظیر کلام مولای متقیان زوایای

^۱ اعم از ابن ابی الحدید(۶۵۵ق)، سید رضی(۳۵۹ق)، شیخ محمد عبده(۱۸۴۹-۱۹۰۵م)، طه حسین(۱۸۸۹- ۱۹۷۳م)، شکیب ارسلان(۱۸۶۹- ۱۹۴۶م)، میخائیل نعیمه(۱۸۸۹م). (الفاخوری، بی تا: ۳۶۷)

مختلف ادبی را بر آن گشوده و به روش غیر مستقیم پژوهشگران را به بررسی سخنان مولای متقیان با استفاده از علوم گوناگون ادبیات فرا خوانده است.

استاد (ره) در «سیری در نهج البلاغه» به عنوان پژوهشگر متون دینی ضمن بررسی نهج البلاغه، به دسته بندی مطالب پرداخته و ذیل هر عنوان به جملات و عبارتهایی توجه کرده و به شرح سخن مولای متقیان (ع) راه برده و صفت بررسی متن را به زبان اصلی که یکی از صفات پژوهشگر متون به زبان دوم است، رعایت نموده و ویژگی پژوهشگر ادبی را حفظ کرده است.

۵- بهره مندی از فن نگارش داستان در «داستان راستان»

داستان یا Novel اثری منثور است که مبتنی بر جعل و خیال Fiction باشد. (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۷۹) آن عبارت از ارتباط منطقی میان شخصیتها و حوادث است، چنان که خواننده در درک روابط اشخاص و رویدادهای جاری در داستان دچار سردرگمی نمی شود و توانایی تحلیل درست آن روابط را دارد. به عبارت دیگر حوادث داستان در نظرش مخالف عقل و منطق نباشد. (خفاجی، ۱۹۹۰: ۲۰۰) البته داستان نویسی تنها ذکر حوادث و شخصیتها نیست؛ بلکه شیوه‌ای کاملاً هنری است که نویسنده با امتزاج فنی واقعیت و تخیل دنیایی از گفتگوها، شادی، غمها و احساسات را در برابر دیدگان مخاطب خود به نمایش می گذارد و از همین روست که از داستان به عنوان «هنر ارتباط با جهان پیرامون» یاد کرده اند. (بهشتی، ۱۳۷۵: ۱۱)

داستان نویسی به عنوان شاخه‌ای از ادبیات نگارشی دارای جایگاهی شایسته در میان ادیبان معاصر است. ادبیات داستانی شامل آثاری منثور است که با لحنی دلنشین و با ساختاری عالی بر اساس سلیقه مردم عصر خود شکل گرفته است. هرچند روایت داستان از ژرفای تاریخ برآمده، اما صاحب نظران، پیدایش داستان جدید را به قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی نسبت می دهند. گویا انسان مدرن درصدد نشان دادن واقعیت های جامعه و تحولات آن در داستان خویش است. (علقم، ۲۰۰۶م: ۲۴)

در بیان انواع داستان ها می توان از «داستان های تاریخی» یاد کرد. موضوع سخن در این داستان ها رویدادها و شخصیت های مهم تاریخی اند. البته گاهی شخصیت ها واقعی نیستند و نویسنده با هنرمندی و دقت خود آنان را می آفریند، چنان که خواننده به تخیلی بودن شان پی نمی برد. با این حال نویسنده داستان های تاریخی اغلب برخوردار از داده های تاریخ و بهره مند از مهارت نگارش داستان درس های خشک تاریخی را ژرفا می بخشد و رویدادهای واقعی را در صورتی دلنشین و خواندنی به خواننده ارائه می نماید. (غفاری، ۱۳۷۹ش/۴۱)

با آن که کتاب های سودمندی که داستان زندگی شخصیت های بزرگ را بیان کرده اند، از شمار بیرونند، اما آثاری که مؤلف آن ها را به منظور هدایت و ارشاد و تهذیب اخلاق عمومی در شکل داستان هایی سودمند به تحریر کشیده و رویدادهایش از متون تاریخی

و حدیث معصوم استخراج کرده و در دسترس عموم قرار داده اند، کمترین از همین رو توجه استاد (ره) به کارکرد داستان در بازنویسی رویدادهای تاریخ اسلام شایان دقتی مضاعف است.

۱-۵- ویژگی های داستان راستان

داستان راستان کتابی اخلاقی و تربیتی در شکل روایت است. آن شامل داستان هایی خیالی نیست؛ بلکه دربر دارنده ی داستان هایی واقعی است که در اخبار و احادیث و یا کتاب های تاریخ و زندگینامه و شرح احوال ثبت شده است. از همین رو متن کتاب از حدود متن مآخذی که از آن ها نقل شده، فراتر نرفته و نگارنده چیزی را از خیال خود بر اصل داستان نیافزوده و یا از آن کم نکرده است. با آن که نقطه شروع و خط سیر داستان ها اغلب با آن چه در مآخذ آمده، فرق دارد و طرز بیان رویداد متفاوت است، اما اگر خواننده به مآخذ مراجعه کند، می بیند که آن تصرفات به روشی انجام شده که در حقیقت داستان تغییر و تبدیلی صورت نگرفته و فقط روایت را مطبوع و شنیدنی تر کرده است.

نویسنده در مقدمه داستان راستان می گوید: «کتاب باید خواننده را وادار به تفکر کند و قوه فکری او را برانگیزد. فکری که باید از دوش خواننده برداشته شود، فکر در معنای جمله ها و عبارات است. از این نظر تا حدی که وقت و فرصت اجازه می دهد، کوشش شده که عبارات روان و مفهوم باشد، اما آن فکری که باید به عهده خواننده گذاشته شود، فکر در نتیجه است. هر مطلبی را که خود خواننده درباره آن اندیشه نکند و از فکر خود چیزی بر آن نیافزاید، با روحش آمیخته نمی گردد و در دلش نفوذ نمی کند و در عملش اثر نمی بخشد.» (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۸)

۵-۱-۱- نمونه هایی از داستان راستان

جلد نخست این کتاب شامل هفتاد و پنج داستان است و جلد دوم پنجاه داستان را دربر دارد. «در بزم خلیفه» بیست و دومین داستان جلد نخست است و در ۴ صفحه نگارش یافته است. نویسنده در آن به شرح ماجرای دستگیری امام هادی (ع) توسط متوکل عباسی می پردازد و سپس ابیاتی را از حضرتش نقل می نماید که مفاهیم آن ها حکمت آمیز بوده و امام (ع) آن ها را در برابر خلیفه ی عباسی به اعتبار یکی از عموم مردم قرائت فرمود تا نه تنها در بیان پند و موعظه؛ بلکه در راستای کاربرد شعر حکمت آمیز در مسیر هدایت و تهذیب اخلاقی و ایفاد پیام والای انسانی مؤثر افتد.

«**هشام و فرزندق**» سی و ششمین داستان در جلد اول کتاب است که در چهار صفحه نگارش یافته و نویسنده در آن به شرح ماجرای که در حضور خلیفه ی اموی در مراسم حج روی داد و به سرودن میمیه ای توسط فرزندق شاعر پرآوازه ی عصر اموی در تقدیر و بزرگداشت از امام سجاد (ع) انجامید، می پردازد.^۱ (مطهری، ۱۳۷۴، ش: ۱۱۳-۱۱۶)

نام وی همام یا هُمیم و کنیه اش ابو فراس و لقبش فرزندق بود. او در ۱۱۰ و یا ۱۱۴ ق در بصره وفات یافت. (ظهیری، ۱۳۷۷، ش: ۲: ۲۸۱) استاد (ره) با انتخاب این داستان از شعر سیاسی به عنوان وسیله‌ای ارزشمند در بیان حقایق و ارزش‌های انسانی یاد کرده و از رسالت شاعران در برابر جامعه سخن به میان می‌آورد. او با انتخاب میمیه‌ی فرزندق به اشعار پایدار و ماندگار اشاره کرده و نمونه ای دیگر از شعر متعهد را معرفی می‌نماید.

«**یک دشنام**» چهل و نهمین داستان جلد اول است و در چهار صفحه به نگارش رسیده است. نویسنده در این داستان به شرح دسیسه ی قتل عبدالله بن مقفع، دانشمند و نویسنده معروف ایرانی، توسط سفیان بن معاویه مہلبی، فرماندار بصره، می پردازد. (همان: ۱۴۳-۱۴۶)

ابن مقفع (۱۰۶-۱۴۲ ق) فرهنگ ایرانی را با فرهنگ عربی و یونانی و هندی گرد آورده و به ایرانیان، سخت دل‌بستگی داشت. او می‌کوشید تا با نشر آداب و سیاست و تاریخ ایران قوم خود را زنده سازد. معایب نظام اجتماعی زمان خود را می‌دید و تلاش می‌نمود تا با رواج نظام اجتماعی ایرانی به اصلاح شان بپردازد. وی از شخصیت‌های بزرگ و چهره‌های درخشان علمی و ادبی و از مفاخر تمدن کهن ایران و اسلام به شمار می‌آید و بی‌تردید باید او را کاتبی توانا و مترجمی زبردست و پیشتاز و از مشاهیر علم و ادبیات عهد اموی و صدر عباسی دانست که آثارش در ادبیات عربی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (ضیف، ۱۹۶۶: م: ۵۰۷)

او از آن جا که از نژادی ایرانی و آشنای به زبان و فرهنگ فارسی بود، به همان اندازه در ادبیات فارسی منزلت دارد. استاد (ره) در این داستان از عبد الله بن مقفع ادیب معروف عصر عباسی نام برده و با اشاره به سرانجام دردناک وی، با شرح فقدان عفت کلامش به ناکافی بودن منزلت ادبی وی راه برده است.

«**شمشیر زبان**» پنجاهمین داستان جلد اول است و در دو صفحه نگارش یافته است. نویسنده آن را با معرفی ابن رومی شاعر آغاز کرده و به ماجرای مسموم نمودنش توسط قاسم بن عبیدالله وزیر المعتضد عباسی می پردازد. (همان: ۱۴۷-۱۴۸) او علی بن

^۱ نخستین ابیات این میمیه ی مشهور فرزندق چنین است:

و البيت يعرفه و الحل و الحرم	هذا الذی تعرف البطحاء وطأته
هذا التقی النقی الطاهر العلم	هذا ابن خیر عباد الله کلهم
العرب تعرف من انکرت و العجم	و لیس قولک من هذا بضائره

العباس بن جریج یونانی تبار بوده و در ۲۲۱ق از مادری فارسی زاده شد و در اشعارش به تبار رومی و نسبت فارسی خویش افتخار می نمود. (ضیف، ۱۹۷۳م: ۲۹۶)

استاد (ره) در این داستان با ذکر سرانجام شوم شاعر بار دیگر از ناکافی بودن منزلت ادبی فرد یاد کرده و کاربرد غرض هجو را به منزله‌ی تهدیدی سیاسی و باعث حذف شاعر نشان داده تا دامنه‌ی نفوذ اشعار را در کارسازی یا ناکارآمدی تعاملات اجتماعی هویدا سازد. در واقع نویسنده در دو داستان اخیر، اعمال قدرت سیاسی را در حذف ادیبانی که از ابزار ادبیات به گونه‌ای نابجا استفاده کرده‌اند، ذکر نموده و بهانه‌ی سیاستمداران را در برخورد با ادیبان، با قرار دادن هجو ناصواب نمایان ساخته است.

«**دانشجوی بزرگسال**» شصت و ششمین داستان جلد اول کتاب است که در سه صفحه نگارش یافته است. نویسنده در آن به شرح ماجرای روی آوردن سکاکی آهنگر به آموختن علم و ادبیات در سال های میانسالی و پیشرفتش در ادبیات و ارتقاء علمی اش تا مرتبه‌ی صاحب نظری ادبی می پردازد. (همان: ۱۸۵-۱۸۷) سراج الدین ابو یعقوب یوسف بن محمد بن علی معروف به سکاکی در سال ۵۵۵ ق در خوارزم متولد شد. او تألیفات بسیاری دارد و مهمترین آن «مفتاح العلوم» است. صاحب «معجم الادباء» در موردش می‌گوید: «او یکی از افاضل روزگار است و شهرتش همه جا فراگیر است.» (حموی، بی‌تا، ج۲: ۵۹) استاد (ره) در این داستان به رویداد زندگی سکاکی به عنوان دانشمندی در علوم ادبیات عربی پرداخته است و با اشاره به سخت کوشی فردی میانسالی در تحصیل علم، توجه خواننده را به تیز نگری ادیبی که در شماره‌ی افراد به ظاهر کندذهن قرار می‌گرفت، خاطر نشان می‌سازد و از ارتقای بهره‌ی هوش اکتسابی نویسنده مفتاح العلوم در دوران میانسالی به عنوان نمونه‌ای شایان ذکر یاد می‌کند تا از مفهوم عبارت گران بهای «العلمُ فی الصَّغْرِ کانقش فی الحجر» به بیان ارزشمند «طلبُ العلمِ فریضةٌ علی کلِّ حالٍ» راه یابد. گویا وی با فراخوانی سکاکی به این اصل مهم اشاره دارد که قلب انسان توانایی غیرمعینی در فراگیری نور دانش دارد.

«**ابو اسحاق الصابی**» هفتمین داستان جلد اول کتاب است و در دو صفحه نگارش یافته است. نویسنده در آن به بیان رابطه‌ی دوستانه‌ی وی با سید رضی می‌پردازد. ابراهیم بن هلال بن هارون ملقب به الصابی، ادیب عرب تبار، کاتب و نویسنده و در بلاغت و شعر مشهور بود. او در سال ۳۱۳ ق در حران یکی از شهرهای بغداد متولد شد. وی کاتب دارالخلافه بغداد و منشی حکومت آل بویه بود. الصابی در ۳۴۹ ق سرپرست دیوان رسائل، سرپرست نویسندگان امپراتوری اسلامی بغداد شد. او مسلمان نبود، اما با مسلمانان دعا می‌خواند و قرآن را به بهترین شکل حفظ بود و در نوشته‌هایش آیات قرآنی را به کار می‌برد. (آباد، ۱۳۸۶ش: ۱۱۹)

نویسنده در این داستان به رابطه‌ی سید رضی و ابو اسحاق صابی به عنوان دو دانشمندان عصر عباسی اشاره می‌کند تا توجه خواننده را به رابطه‌ی دوستانه و بدور از تعصب علمی دو دانشمند اهل دو آیین متفاوت جلب نماید. زیرا وی معتقد بود که «این

روایت‌ها زمینه وسعت دید و بلند نظری و تعصب نداشتن مسلمین را در فراگرفتن علوم و معارف از غیرمسلمانان فراهم کرد و به اصطلاح در مسلمانان روح تساهل و تسامح و عدم تعصب را در مقام فراگیری و علم آموزی به وجود آورد. از این رو مسلمانان اهمیت نمی‌دادند که علوم را از دست چه کسی می‌گیرند و به وسیله چه اشخاصی ترجمه و نقل می‌شود و به دست آن‌ها می‌رسد...» (مطهری، ۱۳۵۷ش: ۴۴۷)

۲-۱-۵- رویکرد استاد مطهری (ره) در داستان های منتخب

مطهری (ره) به عنوان اندیشمندی که اغلب در علوم و معارف اسلامی قلم فرسوده، مجموعه داستان راستان را برای مخاطبانی به قلم تحریر کشیده که عموماً در سنین نوجوانی بسر می‌برند. او با استفاده از عناصر داستان در روایت رویدادهایی تاریخی درصدد برآمد تا به نیاز فکری مخاطبانی پاسخ گوید که اغلب در شمار مخاطبان نویسندگان حرفه‌ای معارف اسلامی در ایفاد مضامین غیر آموزشی قرار نمی‌گیرند. افزون بر آن که وی با فراستی ستودنی داستان‌هایی را در ضمن این مجموعه قرار داده که مخاطبان را نرم نرم سوی اندیشه پژوهشی و ناب نویسنده سوق می‌دهد. از همین رو می‌توان از رویکرد نویسنده به نقش مؤثر شعر سیاسی که باعث احیاء ارزش‌های اسلامی می‌گردد و در میمیهی فرزندق رخ نموده، سخن به میان آورد و یا از سرنوشت ابن مقفع و ابن رومی در جستجوی بهانه سیاسی برای حذف ادیب یاد کرد. هرچند نویسندهی این مجموعه داستانی به شعر سیاسی و کارآیی و ناکارآمد بودنش بسنده نکرده و با بیان داستان امام هادی(ع) به نقش مؤثر شعر حکمت آمیز در تغییر فضای ناسالم جماعت حاکم راه برده است.

استاد (ره) با ذکر داستان دوستی شریف رضی و الصابی و روایت سوگ سروده‌ی اندیشمندی شیعی در رثاء غیر هم کیش خود نه تنها اندیشه‌ی مراودات ناب علمی را که شائبه‌ی تعصب را بر نمی‌تابد، بیان داشته؛ بلکه از تنگ چشمی خود ساخته‌ی برخی عالمان عبور می‌نماید تا مخاطب نواندیش تنگ نظری افراد موجه را به حساب کوتاه فکری دین نهد. شایان ذکر است که استاد (ره) به عنوان نویسنده‌ای که آثار پر شماری را در علوم اسلامی بر جای نهاده، برخوردار از فن سخنوری و مطلع از فن نگارش آثار علمی و فلسفی، از روش نگارش داستان کوتاه در بازنویسی رویدادهای تاریخی آگاهی داشته و با توجه به ذائقه‌ی پرشتاب مخاطب نوجوان از مهارت داستان کوتاه استفاده کرده تا نیاز پرورشی این گروه سنی را از راه بیان رویدادهای واقعی به روش داستانی برآورد.

نتیجه گیری

استاد مطهری (ره) در مقام اندیشمندی که آموزه های دین مبین را دستمایه ی کار خویش قرار داده ، مطلع از دغدغه های فکری معاصر و بهره مند از سخت کوشی علمی، شیوه ای کارآمد در کار پژوهش های دینی برجای نهاد که قاعده آن تهی از تعصب، با انصاف علمی متقن گشته است. از همین رو وی به عنوان پژوهشگری ممتاز در حوزه ی معارف دینی شناخته می شود، اما با نگاهی به «خدمات متقابل»، «سیری در نهج البلاغه»، «حماسه حسینی»، «داستان راستان» می توان به رویکرد ادبی استاد (ره) نیز دست یافت.

به نظر می رسد، استاد (ره) در «خدمات متقابل»، حرکتی را که با رویکرد جامعه شناختی در بیان رابطه ی اسلام و ملیت شکل داد، با نکته پردازی دینی در معرفی منبع علمی – ادبی فکر ناب اسلامی در «سیری در نهج البلاغه» همراه نمود و در پالایشی علمی و ادبی در «حماسه حسینی» هویدا ساخت. شاید از همین روست که استاد (ره) با خطر پذیری انتقاد از پاره ای از رسوم ناصواب ایام محرم در جامعه ی کاملاً سنتی ایران سال ۵۰ ش به موشکافی داده های ادبیاتی می پردازد که در خدمت تبلیغ اهداف حماسه ی باشکوه کربلاء قرار گرفته است.

با این حال همت وی بر این خط سیر پژوهشی متوقف نماند و با بهره مندی از فن نگارش داستان کوتاه و داستانک به بازنویسی رویدادهای معتنابه تاریخی در مجموعه ی «داستان راستان» راه برد تا روش خردورزی خویش را در پژوهش های اسلامی ارمغان نسل نو قرار دهد. از این رو می توان رویکرد ادبی استاد (ره) را در خط سیری معین، رو به جلو و در صعود بر محور پژوهش های اسلامی ترسیم کرد و از کارکرد تاریخ نگاری ادبی در ارائه ی اطلاعات ، نقد ادبی در بیان آراء و نظرات اهل اندیشه و پالایش داده های غیر علمی و تردید آمیز و فن داستان نویسی در بیان رویدادهای تاریخی سخن گفت.

کتابنامه

- آباد، مرضیه، (۱۳۸۶)، *تاریخ الادب العربی فی العصر العباسی (۲)*، تهران، سمت، اول
- بهشتی، الهه، (۱۳۷۵)، *عوامل داستان*، تهران، برگ، اول
- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۳)، *نهج الفصاحه - مجموعه سخنان و خطبه های رسول اکرم (ص)*، قم، پرهیزگار
- حجتی، سیدمحمد باقر و قاسم بستانی، (۱۳۸۲)، *معنا شناسی کلمه زندیق در فرهنگ اسلامی*، اصفهان، مجله علمی و پژوهشی ادبیات و علوم انسانی دوره دوم، شماره ۳۲-۳۳.
- حموی، یاقوت، (۱۹۸۰)، *معجم الادباء*، بیروت، دار الفکر، سوم
- خفاجی، محمد عبدالمنعم، (۱۹۹۰)، *الادب العربی و تاریخه*، بیروت، دار الجیل
- شجاعپوریان، ولی الله، (۱۳۷۶)، *اخلاق و حکمت در شعر متنبی*، اهواز، دانشگاه چمران.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۰)، *انواع ادبی*، تهران، باغ آینه، اول
- ضیف، شوقی، (۱۹۵۵)، *الراثاء، مصر، دارالمعارف*، چهارم
- ، ، (۱۹۶۶)، *العصر العباسی الاول، مصر، دارالمعارف*، سوم
- ، ، (۱۹۷۳)، *العصر العباسی الثانی، مصر، دارالمعارف*
- ظهیری، عباس، (۱۳۷۷)، *تجزیه و ترکیب و بلاغت قرآن کریم به ضمیمه قصیده میمیه فرزددق*، قم، حوزه علمی
- علقم، صبحه، (۲۰۰۶)، *تداخل الاجناس الادبیة فی الروایه العربیة*، بیروت، الموسسه العربی للدراسات و النشر، اول
- غفاری، سعید، (۱۳۷۹)، *گامی در ادبیات کودکان و نوجوانان*، تهران، دبیزش
- الفاخوری، حنا، بی تا، *الجامع فی تاریخ الادب العربی*، بیروت، دارالجیل
- مظاهری، محسن حسام، (۱۳۸۷)، *رساله‌ی شیعه*، تهران، بین الملل
- مطهری، مرتضی، (۱۳۵۷)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم، صدرا، نهم
- ، ، (۱۳۹۰)، *سیری در نهج البلاغه*، تهران، صدرا، چهل و هشتم
- ، ، (۱۳۷۰)، *حماسه حسینی*، تهران، صدرا، هفدهم
- ، ، (۱۳۷۴)، *داستان راستان*، تهران، صدرا، بیست و دوم
- وندل، دی هریس، (۱۳۷۴)، *تاریخ ادب چیست؟*، ترجمه علی ملا محمد جان، مجله شعر، شماره ۱۹